

سلسله جبال زاگروس
The range of Zagros
KURDISTAN.

چکامهء امیدو آزادی

از: سرهنگ چیا

زاگروسم که سینه ات **خونین** است
نام مردانهء تو زینت تاریخ است
هر سحر که خورشید برفراز تو
با لبهای آتشین ملایم بوسه میزند

و تو برسم دیرینه ات زنگار شب را
از زنگولهء پیشآهنگان راه آزادی
که در خم و کژهای تو خفته اند، میزدائی
و آنها را به نبرد نوینی فرا میخوانی
تا میهن خود را رها سازند . . .

من در آسمان احساس و اندیشه هایم
پرواز میکنم . . . دریاها درمینوردم
. . . بر فرا سوی مرزها میگذرم
بر قله هایب . . . برفراز بلندترین آنها
دوباره فرود میآیم و فریاد میزنم :

برای تاریخ
برای سازندگان تاریخ
برای جنگجویانی که اکنون
در خم و کژهای تو
به کمی بن نشسته اند
دشمن را می کشند و
خود نیز کشته می شوند
تا میهن خود را رها سازند
برای آنها که
بقصد شرکت در این نبرد سرنوشت
عجولانه در راه اند
برای آن نگاه های دوخته بر سرآب بازگشت ها " **مادران** "
از صحنه های نبرد مرگ و زندگی . . .

فریادی این چنین :

دشمن ، دشمن کی گردد دوست ما؟!
خصم زبون و کینه توه توز
هرگز نگردد دوست ما. . . غمخوار ما
تاکی کنید حمدو ثنا دروصف او ؟
ای ره روان کوره راه
بامید عطای او . . . گذشت او؟؟
بس کنید . . . آن و این ، افسون و افسانه گوئیها:

بر تارک تاریخ ما
بر آرم ان خلق ما
بر سرنوشت رزم ما
. . . بر سینه ها خونین زاگروس .

آنگاه ؟ . . . آری آنگاه!
دخترم ! ، پسرم !
باهم ، در کنار هم ، در آغوش همدیگر
در دامنه های سلسله جبال زاگروس

در نبود دایه های بد سگال " ارتجاع "
در نبود کرگسان لاشه خوار " فاشیزم "

جشن رهائی من و تو
فرامیرسد . . . فرامیرسد!
بانگ غرور و نشاط بر آوریم زسینه ها
ای رنجهای ، ای دردها ، ای فقرها
ای جغد شوم جنگ ویرانی
بدور از ما ، بدور از کیش و امام ما

بانگ غرور و نشاط بر آوریم زسینه ها
ای کارگر ، ای برزگر ، ای خلقها
ای آشنای رهگذر . . . ماآزاده ایم و آماده !

نقل از جزویه تحت عنوان : (خودمختاری یا : تحریف دولت جمهوری کردستان و انحراف از مشی
بنیانگذاران " پیشوا "؟؟ . . بقلم نگارنده " چیا " ماه مه سال 1990 میلادی : (باتغیراتی چند) .

Chia.rabii@yahoo.com

چیا
سوئید مالمو